

## بررسی تاثیر و اهمیت روش های تدریس مورد استفاده معلم بر یادگیری دانش آموزان

مسعود نیک پروری<sup>۱</sup>، طاهره ایرانی<sup>۲</sup>، صدیقه کریمی اشنی<sup>۳</sup>، سیده زهرا حسینی پور<sup>۴</sup>، اعظم اله کرم تاجدی<sup>۵</sup>

۱- طلبه سطح عالی حوزه علمیه برادران قم (نویسنده مسئول)

۲- آموزش و پرورش شهرستان سنقر استان کرمانشاه

۳- آموزش و پرورش شاهین شهر

۴- آموزش و پرورش شهرستان آزادشهر

۵- آموزش و پرورش شهرستان آزادشهر

هدف از این مقاله بررسی اهمیت روش های تدریس مورد استفاده معلم و تاثیر آن بر یادگیری دانش آموزان است. یکی از مهمترین مباحث تعلیم و تربیت و در عین حال یکی از مشکل ترین مفاهیم برای تعریف کردن «یادگیری» می باشد. یادگیری اساس رفتار افراد را تشکیل می دهد. از طریق یادگیری فرد با محیط خود آشنا می شود، روی محیط تاثیر می گذارد و گاهی باعث ایجاد تغییرات مثبت و سازنده در محیط می شود. بنابراین قسمت عمده ی رفتار آدمی آموختنی است. فرد انسان سخن گفتن، محبت کردن، ارتباط برقرار کردن با دیگران و حتی اندیشیدن را یاد می گیرد. شناختن خود و جهان خارج نیز از طریق یادگیری امکان دارد. رشد قوه تفکر با طرز حل مسئله امری است که به تدریج و در سایه ی یادگیری در افراد به وجود می آید: توجه به اصول یادگیری و بررسی علل عدم توانایی دانش آموز در یادگیری، ارائه بهترین راهکار جهت جبران ناتوانایی ها شرط اساسی موفقیت در فعالیتهای آموزشی می باشد. جهت گیری معلمان و مدیران درباره ی یادگیری در طرز کار و تصمیم گیری آنها تاثیر فراوان دارد، معلمانی که اصول و مبانی یادگیری را درست تشخیص نمی دهند بهتر می توانند در تعلیم و تربیت افراد اقدام کنند و از تعداد دانش آموزان در معرض شکست بکاهند.

**کلید واژه:** تدریس، تاثیر، الگو، یادگیری

## مقدمه

تدریس کار آسانی نیست. معلم در تدریس با عوامل مختلف و متعددی سروکار دارد که کنترل مجموعه آنها ممکن است محیط را بوجود آورد که یادگیری مطلوب و موثر در آن صورت گیرد. این عوامل مختلف و بطور کلی جامعه‌ای که معلم و شاگرد در آن زندگی می‌کنند در کیفیت تدریس معلم تاثیر می‌گذارد. بدیهی است که معلم نمی‌تواند همه عوامل مذکور را تحت کنترل خود در آورد.

بنابراین معلم در ایجاد موقعیت مناسب یادگیری قادر به تغییر و کنترل بسیاری از عوامل نیست اما تا حدی می‌تواند با تعیین هدفهای صریح اجرایی و اتخاذ الگو و روشهای مناسب تدریس و تهیه و بکارگیری تجهیزات لازم و ایجاد نوعی ارتباط سالم با شاگردانش، کیفیت تدریس خود را دست خوش تغییر و تحول و پیشرفت بکند.

هدف این مقاله نیز بر معرفی بعضی از این آگوه‌های نوین تدریس استوار گردیده است. تا با معرفی بیشتر این روشها به معلمان عزیز و توجه بیشتر به جزئیات، آنها بتوانند مهارتهای لازم برای استفاده از این روشها را به دست آورند و زمینه اجرای آنها را در کلاس فراهم نمایند و کیفیت تدریس خود را بالا ببرند.

امروزه در تلاش برای ارتقای فرایند یادگیری، استفاده از روش های نوین و فعال به جای روش های سنتی در امر آموزش بسیار ضروری است. یکی از این روش ها برای استفاده از روش های نوین آموزش است که این آموزش از راهکارهایی است که علاوه بر ایجاد خلاقیت و نوآوری در دانش آموزان، تدریس را جالب و یادگیری را آسان و شوق انگیز میکند؛ چرا که این روش با ایجاد ارتباط میان مفاهیم علمی و تجارب واقعی دانش آموزان در زندگی، درک و یادگیری آن ها را افزایش می دهد و از طرف دیگر، کمبودهای امکانات تدریس سنتی را جبران می کند و باعث پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می شود.

زندگی بدون یادگیری و آموزش همچون مردابی در حال تقلیل و فساد است. از زمانیکه آموزش و یاد دادن شروع شد نحوه انجام دادن این فعالیت یعنی چگونگی آموختن و روش های تدریس مورد توجه دست اندرکاران قرار گرفت.

امروزه با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تغییرات مداومی که به وجود می آید باید شرایط تغییر در هر جامعه ای ایجاد شود. شرط اولیه هر تغییری شناخت و آگاهی است، که به دنبال آن باید کار با برنامه ریزی برای دست یابی به اهداف مطلوب صورت بگیرد. آموزش یکی از مسائل بسیار مهم نظام های تعلیم و تربیت است. منظور از آموزش، فرآیند دو سویه یاددهی - یادگیری اطلاعات، مهارت ها و نگرشهای مثبت درباره موضوعی است که متناسب با گروه سنی خاص و در شرایط زمانی معین به اجرا در آمده است

هدف از . تعلیم و تربیت تنها انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید نیست، بلکه رسالت نظام های آموزشی را ایجاد تغییرات مطلوب در نگرش ها شناخت ها و در نهایت رفتار انسان ها دانسته اند.

شناخت و آگاهی مدرسان از نظریه های یادگیری و الگوهای تدریس اهمیت ویژه ای دارد، زیرا اماکن آموزشی جایگاهی برای هدایت، نظارت و یادگیری هستند و معلم چون راهنما، ناظر و سازمان دهنده است. معلم افزون بر آگاهیهای لازم در زمینه ماده درسی، باید درباره ی شیوههای طراحی آموزشی و ارزشیابی آن نیز دانش و مهارت کافی داشته باشد.

در دهه های اخیر رویکردهای سنتی یادگیری و تدریس با ظهور فناوری های نوین مانند چند رسانه ای ها، فرارسانه ای ها و ارتباطات از راه دور دچار تغییر و تحول اساسی شده است. در این مقاله روشهای نوین تدریس مورد بررسی قرار گرفته، از آنجایی که یکی از مهمترین مشکلات و مسائل نظام آموزشی کشور عدم به کارگیری روشهای نوین و فعال تدریس در آموزش و کم توجهی به رویکردهای فعال یاددهی و یادگیری است. از این رو معلمان باید با روشهای نوین تدریس آشنا شده و آنها را در موقعیت های مناسب به کار برند. تربیت افراد شایسته تنها در سایه استفاده از روش های های معقول و شایسته امکانپذیر است. یکی از عناصر مهم برنامه های درسی و طراحی آموزشی، انتخاب و اجرای روشهای مناسب تدریس است. شاید بتوان گفت که این عناصر در همه الگوهای طراحی آموزشی جایگاه ویژه ای دارند زیرا محتوا، رسانه ها، ارزشیابی و کلیه مراحل تدریس در جای جای روش و الگوی تدریس قرار می گیرند و ما را به همه اهداف می رسانند. از آنجایی که یادگیری موثر، تنها کسب و ذخیره سازی اطلاعات و دانش ها نیست بلکه یادگیری موثر و کارآمد تقویت و گسترش مهارت های ذهنی، فیزیکی و طرز تفکر می باشد لذا استفاده از روش های نوین تدریس در مقایسه با روشهای سنتی در تقویت این مهارت ها کارآمدتر است. هنر معلم در انتخاب این شیوه ها و روش مؤثر می باشد. از آجا که توانایی های افراد متفاوت است نحوه یادگیری و چگونگی آموزش نیز متفاوت خواهد بود.

دنیای امروز دنیایی است با ابعاد و ویژگیهای مختلف و گوناگون که ماهیت این ابعاد نحوه زندگی را در جوامع و کشورهای مختلف روشن می نماید. برای زیستن در این جهان پارامترها و فاکتورهای بسیاری وجود دارد که در صورت آگاهی از روش صحیح برخورد با این عوامل و استفاده از این روشها می توان به بهترین نحو زیست به جرأت می توان یکی از مهمترین مواردی که از ابتدای خلقت تاکنون بشر یا آن برخورد داشته و سعی در بهبود آن همواره در نظرش بوده را آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت دانست. با مراجعه به قرآن کریم درمی یابیم که حتی قبل از اینکه انسان پای به عالم خاکی بگذارد نیز در حال آموزش بوده است. «خداوند

به آدم (ع) علم اسرار آفرینش را آموخت تا از اسرار معنوی و مادی جهان آگاهی یابد.<sup>۱</sup> این آیه مؤید چند نکته اساس و مهم می باشد که به این شرح می باشد.

الف ( اهمیت آموزش و پرورش در زندگی.

ب ( اینکه اولین آموزگار انسان خداوند متعال می باشد.

ج) اینکه اولین دانش آموز حضرت آدم بوده است.

باید این مسئله را دانست که برای دستیابی به آموزش بهتر و مفیدتر نیاز به آگاهی و استفاده از مواردی می باشد که مهمترین آنها شیوه تدریس معلم در کلاس درس می باشد. با نگاهی به گذشته متوجه می شویم که در هر عصر و دوره ای با توجه به تعداد شاگردان، موضوع درس و شخص مدرس شیوه ها متفاوت بود و با گذشت زمان و نحوه تحقیقات مختلف بر تنوع و تعداد این شیوه ها افزوده شده است. و بایستی ادعای داشت که هدف از پیدایش و استفاده از این شیوه ها یادگیری و فهم هر چه بیشتر مطالب و موضوعات درسی و در نهایت رشد همه جانبه دانش آموز می باشد، بدیهی است که هر آموزگاری در کلاس درس از روش یا روشهایی استفاده می نماید که این روشها با توجه به عواملی از قبیل ماهیت و محتوای درس، سن و سال دانش آموز، علاقمندی وی به مطلب آموزشی و ... می تواند در رشد همه جانبه فراگیران مفید و یا بی بهره واقع شوند پس در تعیین و استفاده از این روشها هم بایستی دقت و اهتمام لازم را بعمل آورده، و اینکه کدامیک از روشها مفیدتر می باشد را تشخیص دهد.

امروزه در شناساندن روشهای مناسب آموزش و پرورش تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. دفتر بین المللی تعلیم و تربیت وابسته به یونسکو تعداد بیش از ۳۰۰ روش تدریس شناخته شده را ذکر می نماید.<sup>۲</sup>

امروزه در اکثر کشورهای جهان آموزش از جایگاه خاصی برخوردار است و همه کشورهای کم و بیش در صدد اجرای هر چه بیشتر، بهتر و مفیدتر آن می باشند. باید این نکته را متذکر شد که در حال حاضر

<sup>۱</sup>- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۱، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، مهر ماه ۱۳۶۱، ص ۱۲۱.

<sup>۲</sup>- محمدرضا، بهرنگی، مدیریت آموزشی، آموزشگاهی، چاپ گلچین، زمستان ۷۱ ص ۲۱ D-MC Gregor ۲-

بسیاری از کشورهای دنیا از روشهای آموزشی سنتی بهره می گیرند و پایبند این نوع آموزش می باشند.

اما لازم به ذکر است که شیوه های آموزش سنتی دارای نارساییهایی به شرح ذیل می باشند:

۱- روشهای آموزش سنتی دانش آموز را منفعل و وابسته بار می آورد. او سرگذشت علم را می خواند، نه خود علم را.

۲- روشهای آموزش سنتی منکر فراهم کردن فرصتهای کافی برای درگیر شدن با داده ها، نظریه پردازی، امتحان فرضیه ها و کاربرد روش علمی در عمل است.

۳- در آموزش سنتی، معلم در صدد است تا مفاهیم و مطالب آموختنی را به فراگیر، به روش کلامی یا نشان دادن و ارائه یک مطلب خواندنی واضح و سراسر است، منتقل کند.

اما آموزش پیشرو و مواد آموزشی پیشرفته که در کشورهای توسعه یافته و در حال گسترش هستند به روشهای اندیشیدن و راه و رسم یادگیری خیلی بیش از مطالب آموختنی توجه می کنند.

مهارت در طبقه بندی یافته ها، داده پردازی، نظریه پردازی و جستجوی راهی برای آزمودن و بازبینی نظریه های ارائه شده، حتی اگر همراه با فعالیت مستقیم آزمایشگاهی نباشد، از اهمیت فراوانی برخوردار است. هدف از اینگونه فرایندهای شناختی، تنها این نیست که آگاهیهای درست را برای مصرف فراگیران بوجود آورند، بلکه هدف پرورش افرادی کاوشگر، تحلیل گر و نوآور است.<sup>۳</sup>

عوامل مؤثر در آموزش را می توان به ترتیب زیر نام برد:

#### الف: شاگرد

یکی از نکات مهم آموزشی، شناخت توانایی های فکری و ذهنی شاگردان است. در این مورد تلاش می شود تا جایی که امکان دارد قدرت فکری و میزان معلومات یکایک آنان شناخته شود تا بتوان در حل مشکلات و مسائل آموزشی به گونه ای مؤثر اقدام کرد. لازمه چنین شناختی آن است که:

اولاً احاطه کامل به مطالب و برنامه های آموزشی وجود داشته باشد.

---

<sup>۱</sup>- مجله رشد آموزش شیمی، سال دهم، پاییز ۱۳۷۲، شماره مسلسل ۳۷، ص ۴.

ثانیاً مشکلات و مسائل آموزشی نیز از دیدگاه ایشان بررسی شود. در این باره توجه به موارد زیرین ضروری است.

- همه آنها (به استثنای شماره محدودی) از لحاظ جسمی، فکری، و احساسی بالغ هستند.
- بسیاری از آنها در یادگیری مطالب، هدف دارند و چنانچه برانگیخته شوند، اشتیاق زیادی برای آموختن موضوعات تازه از خود نشان خواهند داد.
- علاقه خاصی در استفاده از آموخته‌های خویش در عمل دارند. به عبارت دیگر، هر آموزشی را از دو جنبه ارزیابی می‌کنند:

۱- از لحاظ اطلاعات و دانشی که به آن‌ها عرضه می‌شود.

۲- از لحاظ منافی که ممکن است در کار آینده ایشان داشته باشد. به همین سبب است که در بسیاری از

مواقع کنجکاوند تا بدانند که تکالیف خود را «چگونه» و «چرا» بایستی انجام دهند.

در شناخت استاد باسواد و مسلط از همگان صلاحیت بیشتری دارند و به یک چنین معلمی احترام می‌گذارند. همچنین است در شناسایی کسانی که از چنین امتیازاتی برخوردار نیستند.

با توجه به اینکه «انسانها به لحاظ روان‌شناختی با یکدیگر متفاوت‌اند» بی‌تردید شاگردان نیز از لحاظ توانایی‌های جسمی، عاطفی، استعداد، هوش، ثبات روانی، علاقه به تحصیل، معلومات عمومی، تجربیات و ... با همدیگر فرق دارند. لذا وظیفه یک معلم موفق و دلسوز است که چنین تفاوت‌هایی را بشناسد و از آنها در آموزش به نحوی مطلوب استفاده کند. در ضمن فراموش نکنیم که با شیوه‌های صحیح تدریس، اکثریت دانش‌آموزان توانایی آموختن مطالب آموزشی را خواهند داشت.<sup>۴</sup>

### توصیه‌هایی در شیوه‌های تدریس

رعایت پاره‌ای از مطالب در تدریس، تأثیر آن را فزونی بخشیده و علاقه شاگردان را به موضوعات آموزشی بیشتر می‌کند، لذا به استادان و مدرسین گرامی توصیه می‌شود که به موارد یاد شده زیر توجه کافی مبذول بدارند.

یکی از مهمترین اصول تدریس، احاطه کامل معلم است به مطالب آموزشی، تا بتواند پاسخ‌گوی همه سئوالات کلاس باشد. اما اگر معلم پاسخ سئوالی را به هر سببی ندانست، لازم نیست که با داستان‌سرایی در مقام

<sup>۱</sup>- حسام‌الدین بیان و محمد شکیبامقدم، مدیریت شیوه‌های نوین در آموزش، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص ۴۴.

پرده پوشی به آن چه نمی داند، برآید. بلکه باید صراحتاً بگویند که پاسخ صحیح در جلسه آینده داده خواهد شد. سپس با مطالعه و با بررسی کافی، پاسخ صحیح سؤال را پیدا کرده و آن را در اولین جلسه کلاس مطرح سازد.

از بکاربردن کلمات و جملات زشت و تحقیرآمیز در کلاس جداً خودداری کنید. بیان الفاظ زشت و یا توهین آمیز نه تنها در خور شخصیت معلم نیست که کلاس را در حالت اختناق، واخوردگی و افسردگی قرار داده و باعث می شود که شاگردان فعالانه در آموزش شرکت نکنند و از هر گونه اظهار نظری هم خودداری کنند.

در پاسخ به سئوالات و یا در مباحثات کلاس از جملات کنایه ای یا استهزایی استفاده نکنید. یکی از زیان بخش ترین نتایج چنین سخنان گوشه دار، آزرده گی خاطر شاگردان خواهد بود، و واضح است که انسان آزرده که در یک حالت روحی انفعالی قرار دارد، هرگز آمادگی ذهنی لازم را برای یادگیری نخواهد داشت.

با برخوردی دوستانه و محبت آمیز نشان دهید که از تدریس در کلاس و تبادل افکار و اطلاعات با شاگردان خوشحال و خشنودید در صورت مشاهده کم کاری در یک یا چند نفر از شاگردان آن را تعمیم ندهید و از تنبیه و یا تحقیر گروهی خودداری کنید.

کندی شاگرد در فراگیری مطالب آموزشی، شاید ناشی از نقص بیان و یا شیوه نادرست تدریس شما باشد. لذا مشاهده چنین پدیده ای نباید موجبات عصبانیت معلم را فراهم کند، بلکه باید ابتدا موضوع را ریشه یابی کند و سپس با کمال خونسردی در صدد رفع نقص برآید.<sup>۵</sup>

## ب: استاد

### ۱- ویژگی های استاد:

#### الف) داشتن و اطلاعات کافی

همانطوری که قبلاً نیز اشاره شده یکی از مهمترین اصول آموزش، آگاهی کافی درباره مطالب آموزشی است، به نحوی که معلم را توانا سازد تا با تسلط کامل مطالب آموزشی را ارائه دهد. زیرا تجربه فقط وسیله ای است که کمک می کند تا تدریس با شیوه های واقع گرایانه و جالب تر عرضه شود. در حالی که امر تدریس علاوه بر داشتن

---

<sup>۱</sup>- همان منبع، ص ۴۵.

چنین امتیازی احتیاج به اطلاعات لازم دارد تا با حضور ذهن و آمادگی کامل به همه سؤالات پاسخ درست داده شود.

#### ب) آشنایی با شیوه های تدریس

یکی از اساسی ترین شرایط لازم برای تدریس، آشنایی با فنون و شیوه های آن است. این امر آنقدر حائز اهمیت است، که حتی موفقیت یا شکست یک دوره آموزش می تواند بستگی تامی به آن داشته باشد. از این رو، برای این که دوره آموزشی با نتایج پرباری خاتمه یابد، انتخاب مدرسان با صلاحیت که از این شیوه ها و فنون به خوبی آگاهی داشته باشند، ضروری می نماید.

#### ج) شخصیت<sup>۶</sup>

شخصیت ممتاز معلم عامل مهمی در تدریس به شمار می رود. اصولاً شخصیت یک انسان را می توان مجموعه صفاتی دانست که واکنش مطلوب یا نامطلوب دیگران را برمی انگیزاند.

شخصیت ممتاز نیز که واکنش های مطلوب دیگران را در پی دارد در واقع کیفیتی فطری ندارد. بلکه می توان چنین هنجاری را با تمرکز حواس، کنترل رفتار، گفتار و کردار در خود به وجود آورده و آن را بهبود و توسعه بخشید، لذا هر معلمی می بایست در ایجاد شخصیتی قابل تحسین برای خویشتن بکوشد و در این راه ویژگی های ممتاز شخصیت دیگران را با کنش و منش خود مقایسه کرده و عنداللزوم کاستی های خود را جبران کند.

#### د) قدرت و رهبری

معلمانی که توانایی رهبری دارند، می توانند به آسانی قدرت درک و فراگیری شاگردان را تقویت کنند، آنان با ایجاد نظم صحیح به وجهی مطلوب کلاس را اداره کرده و از این طریق باعث پیشرفت آموزش می شوند و با بهره گیری از نفوذ خویش، دانش آموزان را به فراگیری بهتر مطالب آموزشی ترغیب می کنند. اداره مطلوب کلاس در برگیرنده موضوعاتی است از قبیل: تهیه برنامه تدریس، تقسیم صحیح رسانه های کمک آموزشی، حفظ رسانه های کمک

---

<sup>۶</sup>-Personality



آموزشی، نگهداری سوابق شاگردان، تهیه گزارشهایی در باره ایشان یا پیشرفت آموزش و شمار دیگری از کارهای اداری ...<sup>۷</sup>

ه) تفکر حرفه‌ای<sup>۸</sup>

تفکر حرفه‌ای به این معنی است که معلم همواره در فکر بهبود شیوه‌های تدریس، موفقیت و پیشرفت شاگردان و اجرای صحیح برنامه‌های آموزشی باشد. بعلاوه ارتباط دائم خود با آنها حفظ کرده و در حل مسائل راهنمایی‌های لازم را بعمل آورد.

معلمی که چنین طرز تفکری داشته باشد بطور مستمر به اندوخته‌های اطلاعات خویش می‌افزاید و در بهبود روش تدریس از هیچ کوشش فروگذار نمی‌کند، همواره مهارت خود را بالا می‌برد و در خودسازی و دانش‌اندوزی از هر فرصتی بهره‌ها می‌گیرد.

شایان ذکر است که معلم از هر نظر برای شاگرد الگویی است که همواره او را تحت تأثیر طرز تفکر، باورها و هنجارهای خود قرار می‌دهد. از این رو، کنش و منش او از یک سو روی ایشان تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر بر روی برنامه آموزشی بازتاب دارد.

۲- بهسازی شیوه تدریس

در بهسازی شیوه تدریس، لزوم تغییراتی در گفتار، کردار و رفتار معلم و همچنین تغییری در نحوه تدریس ضروری است. چنین دگرگونی‌هایی فقط در سایه کوشش مستمر ایجاد خواهد شد. زیرا کسانی که برای مدتی تحت شرایط عالی به تدریس اشتغال داشته‌اند، دلیلی ندارد که برای همیشه چنین شرایطی را حفظ کنند و یا آنهایی که در یک سال تحصیلی از لحاظ تدریس از هر جهت عالی بوده‌اند شاید نتوانند این امتیاز را برای سال دیگر نگاه‌دارند.<sup>۹</sup>

---

<sup>۱</sup>- حسام‌الدین بیان و محمد شکبیا مقدم، مدیریت شیوه‌های نوین در آموزش، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص ۴۶.

<sup>۸</sup>- Professional Attitude

<sup>۳</sup>- همان منبع، ص ۴۷.

- اینکه به شرح اهم عواملی که در بهبود روش تدریس مؤثرند می پردازیم :

برای بهسازی شیوه تدریس، ابتدا سعی می شود تا عواملی که در تدریس مؤثرند شناخته شوند. سپس با آگاهی از این عوامل به فراخور توانایی، معیارهای مشخصی برای تدریس تعیین می شود پاره ای از این عوامل مهم عبارتند از :

#### الف ( مداومت در استفاده از شیوه صحیح تدریس

یکی از مهمترین نکاتی که پس از بهسازی روش تدریس بایستی به آن توجه کافی مبذول شود ، مداومت و حفظ کیفیت عالی شیوه تدریس است. اما ظرافت کار در این جا است که روشهای دیگران حتی «بهترین ها» را هم نباید به گونه ای کورکورانه تقلید کرد. زیرا بسیار محتمل است که دو نفر با شیوه های مختلف تدریس و با شخصیتی کاملاً متمایز بتوانند مطالب آموزشی را در سطحی عالی ارائه دهند. در حالی که سبک تدریس هیچ یک از آن دو کوچکترین شباهتی با هم نداشته باشد. لذا لازم است که هر معلمی ابتدا آموخته ها و تجربه های خویش را در امر تدریس مشخص کرده و سپس با اصلاح روش خود بر آن اساس بکار پردازد و گرنه با تقلید کورکورانه از شیوه های ممتاز تدریس دیگران در کار خود موفق نخواهد شد.

#### ب) ارزیابی شیوه های تدریس

از روشهای مطلوب تغییر و بهبود شیوه های تدریس یکی هم این است که روش تدریس خویش را دقیقاً بررسی و ارزیابی کنیم. در حقیقت با انتقاد از خود می توانیم نکات قوت و ضعف شیوه تدریس خویش را تشخیص داده و سپس با رفع نکات ضعیف و تقویت نکات قوی می کوشیم تا به شیوه ای مطلوب دست یابیم.

#### ج) رفع معایب شیوه تدریس

همواره این فرصت در دست نیست تا بتوان روش تدریس را بطور عینی ارزیابی کرد و به معایب آن پی برد. به عبارتی دیگر برای انتقاد از خود، همیشه نمی توان فرصتی مناسب به دست آورد. برای این مشکل بهتر است که از کمک صاحب نظران با صلاحیت در امر تدریس استفاده شود.

بدین ترتیب که از آنان خواسته شود تا با حضور در کلاس نکات قوت و ضعف تدریس را مشخص کنند. آنگاه با تشریح معایب و محاسن و ارائه پیشنهادهای سازنده برای رفع معایت و تقویت نکات قوی سعی شود تا به یک شیوه مطلوب تدریس دست یافت.

ه) دستیابی به بهترین شیوه تدریس

اصولاً قضاوت درباره نتایج تدریس مبتنی بر میزان تلاشی است که برای بهبود روشهای ارائه درس به عمل می آید برای رسیدن به چنین هدفی است که کوشش برابر یافتن بهترین شیوه تدریس هیچگاه قطع نمی شود. زیرا فقط با تلاشی پی گیر در این جهت است که می توان اطمینان حاصل کرد که نتایج حاصل از تدریس رضایت بخش خواهد بود.<sup>۱۰</sup>

و) توجه به جنبه های خاصی از آموزش

پیشرفت در تغییر و بهبود شیوه تدریس معمولاً با توجه به جنبه های خاصی از آموزش را می طلبد که بر اساس طرحی نظام دار میسر خواهد شد. بطور کلی صرف تعریف از شیوه تدریس نمی تواند بهبود مورد نظر را در روش تدریس فراهم سازد. لذا برای بهسازی شیوه تدریس لازم است که به بهسازی جنبه های خاصی از آموزش نیز همّت گماشت.

عوامل مؤثر در بهسازی شیوه های تدریس را به خاطر بسپارید:

۱- مداومت در استفاده از شیوه های صحیح تدریس

۲- ارزیابی شیوه تدریس

۳- رفع معایت شیوه تدریس

۴- دستیابی به بهترین شیوه تدریس

پ) تدریس

---

<sup>۱۰</sup>- همان منبع، ص ۴۸.

۱- تهیه

۲- ارائه

۳- اجرا (عمل)

۴- آزمون

۵- مرور/بحث و انتقاد

۱- تهیه

نخستین گامی که در تدریس و یا هرگونه آموزشی برداشته می شود، مرحله تهیه یعنی طرح ریزی دقیق آنست. طرح ریزی تدریس، یعنی بهره گیری از اطلاعات، روش ها و مهارتهایی که بایستی با ظرافت خاصی بررسی شده و از آنها در کار تدریس استفاده شود. در این مرحله پیش بینی آماده سازی مطالب تدریس به نحوی است که مدرسان را نه تنها با سلاح دانش و اطلاعات کافی از مطالب آموزشی مجهز می کند که به آنها اتکاء به نفس و اطمینان خاطر لازم نیز می بخشد.

در مرحله تهیه، اصولاً مطالب تدریس چنان سازماندهی می شوند که هدفهای اولیه با زمینه فکری و اطلاعات دانش پژوهان هماهنگی داشته باشد. به طوری که بعداً می توان به هدفهای از پیش تعیین شده آموزشی دست یافت.

معمولاً مطالب آموزشی به گونه ای تدریس می شوند که شاگردان بتوانند به آسانی آنها را بفهمند و بیاموزند. برای رسیدن به این هدف، از روش آموزش: «از آسان به مشکل و از دانسته به ندانسته» استفاده می شود.

شک نیست که تجزیه و تحلیل دقیق مواد آموزشی، حل صحیح مسائل و تمرین مطالب این اطمینان را بوجود خواهد آورد که اکثریت دانش پژوهان مطالب آموزشی را در حداقل زمان فهمیده و یاد خواهند گرفت.

۲- ارائه

مرحله تدریس با ارائه مطالب آموزشی آغاز می شود. نخستین گام در این مرحله، بیان مقدمه است یعنی معرفی مطالبی که تدریس خواهد شد. در این صورت است که شاگردان با شناخت کامل از مطالب آموزشی، خود را برای یادگیری اساسی آماده می کنند. در این مرحله توجه دانش آموزان جلب می شود و انگیزه آنها برای یادگیری بهتر مطالب آموزشی تحریک می گردد. ضمناً کاملاً آگاه خواهند شد که «چه» مطالبی را خواهند آموخت. و چرا

آنها را می آموزند و «چگونه» این مطالب به حرفه ایشان ارتباط داشته و یا خواهد داشت. مرحله مقدمه را می توان با استفاده از رسانه های کمک آموزشی و با توجه مختصری از مطالب آموزشی و همچنین با بهره گیری از اطلاعات و تجربیات دانش پژوهان برگزار کرد. دومین گام مرحله ارائه تشریح مطالب آموزشی است. پس از بیان مقدمه ، با تشریح مطالب آموزشی است که نظرات تازه ای ارائه می گردد. این مرحله معمولاً با سخنرانی کنفرانس و یا با گفت و شنود برگزار می گردد. در این مرحله معمولاً هر یک از این شیوه ها در مقایسه با آموخته های (دانسته های) قبلی شاگردان بکار گرفته می شوند. البته پاره ای از این روشها فقط می توانند حواس شمار کمی از آنها را به خود جلب کند. بطور مثال در روش سخنرانی و یا کنفرانس ، آنها از حس شنوایی شنوندگان استفاده می شود که مسلماً با بهره گیری از سایر حواس می توان نتایج حاصل از آموزش را فنی تر ساخت بنابراین ، با استفاده ترکیبی از چندین شیوه تدریس و با جلب شمار بیشتری از حواس دانش جویان می توان سطح یادگیری آنها را بالاتر برد. مثلاً با نشان دادن موضوع آموزشی <sup>۱</sup> و با بکارگرفتن حس بینایی (علاوه بر حس شنوایی) می توان شیوه مؤثرتری را برای تدریس ارائه کرد. یعنی با همان روش شنیداری و دیداری (سمعی و بصری) در تدریس، ضمن تشریح بعضی از وسایل می توان خود آن وسیله را نیز به کلاس نشان داد. این شیوه به ویژه در آموزشهای فنی بسیار مؤثر است.

### ۳- اجرا (عمل)

در مرحله اجرا، شاگردان فرصت خواهند یافت که آموخته های خود را عملاً ارائه کنند. مسلماً استفاده از شیوه های مؤثر در این مرحله از آموزش ، به آنان توانایی لازم را برای یادگیری مطالب مشکل آموزش خواهد داد. معمولاً در این مرحله می بایست نظارت کامل از ابتدا تا خاتمه کارآموزی اعمال گردد تا اطمینان حاصل شود که از روشهای علمی درست برای ارائه مطالب استفاده شده است.

### ۴- آزمون

معمولاً سطح اطلاعات و تسلط کلاس را نسبت به مطالب تدریس شده ، در این مرحله بررسی و ارزیابی می کنند. با استفاده از آزمون می توان از میزان آموخته ها و نیز از اثرات مطالب آموزشی اطلاعات کامل تری به دست آورد.

<sup>۱</sup> - همان منبع ، ص ۵۰.

#### ۵- مرور / بحث و انتقاد

مرور/ بحث و انتقاد آخرین مرحله از مراحل تدریس است که همواره پس از مرحله اجرا و یا آزمون برگزار می گردد. این مرحله نگاهی است سازنده در مورد دانش و اطلاعات و مهارت و آنچه که دانش پژوهان در طول آموزش آموخته اند. معمولاً در آخرین مرحله آموزش تصویری کلی از مطالب آموزشی ارائه می گردد و نکات مبهم مجدداً شرح و بیان می شوند.

مرحله انتقاد معمولاً پس از مرحله آزمون و یا اجرا قرار دارد. در این مرحله گفت و گویی انتقادی خواهیم داشت و درباره مسائل آموزش طرح شده و مطالب تدریس شده و پیشنهادهایی که در باره بهبود آموزش ارائه می شوند. لذا مرحله بسیار سازنده ای است برای بهسازی شیوه تدریس و رفع اشکالاتی که در حین آموزش مشاهده می شود.<sup>۱۲</sup>

#### ارتباط تدریس و یادگیری

تدریس و یادگیری دو مفهوم مجزا هستند و تئوریهای آنها نیز متفاوت می باشند. تدریس فرایندی است که محصول آن یادگیری است و الگوهای یادگیری بیانگر موقعیتهایی هستند که یادگیری در آن اتفاق می افتد. در حالی که الگوهای تدریس شیوه های تدریس و نحوه ارائه درس را بیان می کنند و برای آن تدوین شده اند که دانش آموزان ضمن یادگیری اطلاعات، افکار و مهارت های درسی، رشد ارزشها و مهارت های اجتماعی و فهم خود و اطراف خود، بردخاير خویش بیفزایند.<sup>۱۳</sup>

---

<sup>۱</sup>- همان منبع، ص ۵۱.

<sup>۲</sup>- بروس جویس و مارشاول، الگوهای تدریس، مترجم محمدرضا بهرنگی، جلد اول ص ۵.

تئوریهای یادگیری بیان کننده چگونگی تحقق یادگیری می باشند و شرایطی را که یادگیری در آن تحقق می یابد را توصیف می نماید، در حالی که تئوریهای تدریس بیانگر روشهای مختلفی هستند که رفتار معلم بر یادگیری فراگیران تأثیر می گذارد.<sup>۱۴</sup>

### عوامل مؤثر در کیفیت درس

فیلیپ کومبز معتقد است که از میان عوامل درون کلاسی، ۵ عامل در کیفیت تدریس مؤثر می باشند که عبارتند از: اهداف آموزش، برنامه های درسی، معلمان، روشهای تدریس و تکنولوژی آموزشی.<sup>۱۵</sup> حال آنکه اکثر صاحب نظران معتقدند که معلمان عامل اصلی در فرآیند تدریس و یادگیری می باشند. همه سرمایه گذاریها و فعالیتهای آموزشی بخاطر برپایی کلاس و تحقق تدریس خوب می باشند. زیرا از طریق تدریس اهداف نظام تعلیم و تربیت تحقق می یابد و تا موقعیکه در طرز تدریس معلمان تغییر و بهبود حاصل نشود، ساختمانهای جدید، وسایل نقلیه، و مسائل آموزشی و ... هیچیک برای بهبود کیفیت آموزش نقش مهمی نمی تواند ایفا کند.<sup>۱۶</sup>

### ارزشیابی کیفیت تدریس

ارزشیابی و سنجش کیفیت تدریس معلمان از مسایل مهم و پیچیده ای است که انجام آن نیازمند تخصص بالا و ظرافت بسیار است. مطالعات و تحقیقات فراوانی توسط محققان تعلیم و تربیت در این رابطه انجام شده و هر کدام شاخصهای متعددی را برای سنجش آن مورد توجه مورد قرار داده اند. بعضی از محققان، بررسی نقطه نظرات مدیران مدارس و متخصصان تعلیم و تربیت، همکاران معلم، فراگیران و خود معلمان را مورد توجه قرار داده اند و

<sup>۱۴</sup> N.L. Gage. Teacher. Effectiveness and teacher Education. (America, MC nally, 1972) P. 75

<sup>۱۵</sup> -فیلیپ کومبز، بحران جهانی تعلیم و تربیت در دهه ۱۹۸۰، ترجمه فریده آل آقا، چاپ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۹.

<sup>۱۶</sup> - کیمل وایلز، درس معلم دانا، ترجمه م. محمودی، انتشارات یزدانی، ۱۳۴۴، ص ۵.

بعضی دیگر از محققان بررسی افزایش نمرات پیشرفت تحصیلی فراگیران و مشاهده نحوه تدریس و کلاس‌داری معلمان را توصیه نموده‌اند.<sup>۱۷</sup>

از جمله صاحب‌نظرانی که در این مورد مطالعه و تحقیق نموده است لئونارد. اچ. کلارک<sup>۱۸</sup> می‌باشد که پنج روش زیر را برای ارزیابی کیفیت تدریس معلم پیشنهاد نموده است.

۱- سنجش آموخته‌های فراگیران (پیشرفت تحصیلی)

۲- بررسی طرح‌های درسی معلمان

۳- ضبط اعمال، حرکات و گفتارها در کلاس و تجزیه و تحلیل آنها

۴- تحلیل کنش‌های متقابل معلم با فراگیر

۵- ارزشیابی دانش‌آموز از کار معلم<sup>۱۹</sup>

## مهارت‌های ارائه درس<sup>۲۰</sup>

می‌دانیم که معلم ارائه‌کننده مطالب درسی در کلاس است و این مطلب همواره برای وی حائز اهمیت می‌باشد. در اکثر کلاس‌های سنتی، معلم تشریح می‌کند، داستان‌سرایی می‌کند، بحث می‌کند، سخنرانی می‌کند و توضیح می‌دهد.

---

<sup>۱</sup>- زهره سرمد، مدل‌های تحقیق درباره کارآیی معلم و تدریس، نشریه دانشکده علوم تربیتی، شماره ۱۲، سال ۱۳۵۴، ص ۱۲۳ و ۱۲۹.

<sup>۱۸</sup> Leonard.h.Clark

<sup>۳</sup>- لئونارد. اچ. کلارک، آموزش دوره متوسطه، ترجمه جواد طهموریان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۱۳۶۸، ص ۴۶۴.

<sup>۴</sup>- لوئیز کوهن و لارنس مانیون، راهنمای علمی تدریس، ترجمه فاطمه شاکری و هما افراخته، زمستان ۷۲، ص ۱۶۷.



همانطور که پیروت<sup>۱</sup> گفته است: «بدون در نظر داشتن سطح یادگیری فراگیران، لزوم شناساندن حقایق تازه، مفاهیم و اصول به فراگیر تا توضیح عقاید، روشن ساختن مطالب یا بازنمودن روابط، بیشتر اوقات معلم را در موقعیتی قرار می دهد که ناچار است در حد زیادی مطالب ارائه دهد.»

وی پنج مهارت را مشخص می سازد که برای معلم لازم است در خود گسترش دهد، تا بدین وسیله ارائه کننده موفق گردد که عبارتند از:

۱- مهارت زمینه سازی (مقدمه چینی)

۲- اختتام (جمع بندی)

۳- تنوع در انگیزه

۴- توضیح واضح

۵- استفاده از مثالها و نمونه ها.

که به ترتیب ذیل هر یک را مورد بحث قرار خواهیم داد.

#### ۱- مقدمه چینی (مهارت زمینه سازی)

چیدن تعریف شده است به عنوان:

«شرایط موقت ولی غالباً مستمر فردی که:

الف) او را نسبت به انگیزه ها یا رویدادهای محیطی بیش از هر چیز دیگر آشنا ساخته و مشخصاً فکر او را متوجه خود می کند.

ب) بعضی فعالیتها یا پاسخها را نسبت به انواع دیگر آسان می نماید.»

---

<sup>۱</sup> Perrott

مقدمه بطور ساده یعنی معرفی. بنابراین صحبت ما در مورد بیان کردن یا به انجام رساندن (یاهر دو) موارد خاصی است که قبل از یادگیری مطرح می شود تا توجه یادگیرنده را به وظایف محوله هدایت نماید.

پیروت می گوید: «فعالیت های انجام شده قبل از عمل یادگیری بر نتایج حاصله اثر خواهد داشت و بعضی از مقدمه چینی ها نسبت به انواع دیگر در رسیدن به نتایج طرح ریزی شده موفقیت آمیزتر هستند.»

او چهار عمل مقدمه چیدن را به طریق زیر مشخص می نماید:

- ۱- متمرکز نمودن توجه یادگیرنده نسبت به آنچه باید یاد بگیرد از طریق ایجاد علاقه در او.
- ۲- به عنوان وسیله ای جهت انتقال از مطالب آشنا به جدید، از دانستنی به نادانستنی، از مطالبی که قبلاً آموخته شده به مطالب جدیدی که قرار به معرفی آن است، می باشد. در شروع درس زمینه سازی اغلب با استفاده از جلسه پرسش و پاسخ درس گذشته شروع شده و به یادگیری جدید از درس جاری هدایت می گردد. بعلاوه طبق گفته پیروت، زمینه سازی می تواند با استفاده از مثالهای معلومات عمومی فراگیران شروع شده و در جهت مطالب جدید با استفاده از مثالهای معلومات عمومی فراگیران شروع شده و در جهت مطالب جدید با استفاده از مثال یا تجزیه و تحلیل پیش برود.
- ۳- مقدمه چینی ممکن است در جهت تهیه چارچوب یا ساختار یک درس بکار رود. پیروت از شواهد تحقیقی نقل می کند، در صورتی معلمین می توانند بر یادگیری فراگیران بیشترین تأثیر را بگذارند که انتظارات خود از آنان را قبلاً یا در شروع درس به آنها گفته باشند. این نوع انگیزه احتمالاً کلی تر است و کلاس را با یک چهارچوب یا الگوی درس آماده خواهد نمود.
- ۴- چهارمین نقش زمینه سازی، معنی دار کردن مفاهیم یا اصول جدید است. با استفاده مکرر از مثالهای ملموس و خاص و تجزیه آن به فراگیران در درک انتزاعی عقاید کمک می شود.

## ۲- جمع بندی (اختتام):

اگر مقدمه چینی ادراک یادگیرنده را به طریقی خاص در شروع یادگیری سازماندهی کند، جمع بندی همانطور که پیروت توضیح می دهد، تکمیل کننده مقدمه چینی با هدایت توجه با پایان توالی یادگیری یا در

انتهای یک درس کامل با تمرکز آنچه که یادگرفته شده است، می باشد. در واقع نقش اصلی آن - کمک به فراگیر است تا نکات اصلی را برای جلسه بعدی به خاطر داشته باشد.

پیروت هشدار می دهد، که جمع بندی لازم است بطور دقیق برنامه ریزی شود، بنابراین برای آن باید زمانی را در نظر گرفت. همانطور که او می گوید، با صدای زنگ ، درس را تمام کردن، بی اثرترین نوع پایان دادن به یک درس است.<sup>۲۲</sup>

### ۳- تنوع انگیزه ها

این مهارت ، یعنی تنوع در انگیزه ها لازم است برقرار شود، زیرا ارائه ی یکنواخت ی مطلب منتهی به کسالت و غیرفعال بودن ذهن می گردد. مجدداً بر اساس شواهد تحقیقی، تعیین می شود که تغییرات در یک محیط ادراکی توجه را جلب نموده و تفکر را برمی انگیزاند. پیروت عناصر اصلی در متنوع نمودن انگیزه ها را به طریق زیر مشخص می کند:

- ۱- حرکات معلم : جابجایی آگاهانه و بی موقع در کلاس می تواند در ایجاد و نگهداری انگیزه کمک نماید. ولیکن از عصبی شدن ، حرکات خنده دار و تحریکی مانند بالا و پایین رفتن غیرعادی در یک نقطه از کلاس اجتناب ورزید.
- ۲- تمرکز بخشی رفتاری : ارتباطات با استفاده از تمرکز بخشی کلامی می تواند حمایت شود (تأکید کردن بر کلمات خاص، عبارتها و یا جهت دادن ها) و تمرکز بخشی حرکتی (استفاده از حرکات چشم، حالات چهره، حرکات سر، بازو و بدن).
- همانطور که پیروت بیان می کند ، حرکات بدنی وسیله مهم ارتباطی بین معلم و فراگیران هستند که برای جلب توجه و بیان احساسات بکار برده می شوند. تمرکز بخشی کلامی و حرکتی که ترکیب دو حرکت است می تواند مفید باشد.
- ۳- تغییرات در الگوهای سخنرانی : متضمن تغییر دادن صدا و بیان است که می تواند شرایط زنده محیط را افزایش دهد، سکوت کردن و سکون های موقتی نیز می تواند مؤثر واقع شود.

---

<sup>۱</sup>- همان منبع ، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.

۴- تغییر در واکنش های متقابل : در اینجا منظور تغییرات حلقه ای بین انواع اصلی تعامل می باشد.

- معلم و کلاس ، معلم و فراگیر، فراگیر با فراگیر.

۵- کانالهای ارتباطی حسی : اطلاعات توسط پنج حس جریان می یابد و بر مبنای تحقیقات ، توانایی فراگیران

برای کسب دانش و اطلاعات با استفاده از حواس دیداری و شنیداری متناوباً می تواند افزایش یابد. بدین

طریق که معلم توضیحات کلامی را با کمک نمودارها دنبال خواهد کرد.<sup>۲۳</sup>

#### ۴- واضح بودن توضیح:

مجدداً پیروت متذکر می شود که یافته های تحقیق دلالت بر این دارد که :

واضح بودن ارائه درس چیزی است که می تواند بطور قابل ملاحظه ای بر موفق بودن تدریس اثر زیادی

بگذارد. او با انتخاب تعدادی از عوامل مهم که در تأثیرپذیری یک توضیح شرکت دارند، به بحث ادامه می دهد. این

عوامل عبارتند از :

الف ( تداوم : برقراری یک ارتباط قوی بین مطالب درس ، مورد بسیار مهمی است که باید بطور کالم

روشن بوده و شاخه های انشعابی آن را به حداقل رساند.

ب) سادگی: سعی کنید از جملاتی که دارای قواعدی ساده و محسوس هستند استفاده کنید. همانطور که

پیروت می گوید: یک دلیل متداول شکست، دادن اطلاعات زیاد در یک جمله است. جملات کوتاه بکار ببرید و اگر

روابط پیچیده است با وسایل دیداری ارتباط برقرار سازید. از نظر واژه ها، از کلمات ساده با توجه به سطح درک

کلاس، استفاده کنید. اگر در حد تخصصی است و از اصطلاحات خاص موضوع استفاده می کنید، اطمینان حاصل

کنید که اصطلاحات بکار گرفته شده بدقت تعریف و درک می شوند.

---

<sup>۲</sup>- همان منبع ص ۱۷۰.

ج) روشن بودن : پیروت توضیح می دهد که یک دلیل برای عدم موفقیت در ارائه درس جدید به کلاس، فرضیه ای است که شاگردان بیشتر از آنچه باید، می فهمند. در آنجا که باید توضیح داده شود، شخص باید هر چه تمامتر آن را مطرح سازد.<sup>۲۴</sup>

## ۵\_ استفاده از مثال ها:

استفاده از مثال ها یک مورد اساسی تدریس بوده و شدیداً اهمیت طرح آن ضرورت دارد. خصوصاً در ارائه مطالب جدید. در مورد استفاده از مثال ها موارد ذیل توصیه شده اند:

- ۱- با مثال های ساده شروع کنید و در جهت پیچیده تر کردن کار کنید.
- ۲- مثال ها را در ارتباط با تجربیات فراگیر و سطح معلومات آنان شروع کنید.
- ۳- مثال ها را به اصول ، عقاید یا تعمیم آنچه که درس داده می شود، ارتباط دهید.
- ۴- امتحان کنید، ببینید آیا به اهداف خود رسیده اید یا خیر؟ از فراگیران بخواهید مثال هایی بزنند که نکات مورد نظر شما را دربرداشته باشد.<sup>۲۵</sup>

## - طرح سؤال و پرسش

مهارت پرسش در کلاس نقش های مهم و متعددی را ایفا می کند و از نظر اجتماعی به برقراری ارتباط و انسجام گروه ها از طریق کنش های متقابل چهره به چهره کمک می نماید.

از نظر آموزشی ، یک نقش پرسش مطرح کردن اطلاعات است. به این ترتیب که می تواند وسعت یادگیری قبلی فراگیر را قبل از معرفی موضوع ، یا مطلب آموزشی جدید، امتحان کند. یا ممکن است به تکرار یادگیری

---

<sup>۱</sup>- همان منبع ، ص ۱۷۰.

<sup>۲</sup>- همان منبع ، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.

اولیه کمک شود یا آموزش و یادگیری اخیر را تداوم بخشد. از آن گذشته در هر حال سئوالات بایستی ارزش آموزشی داشته باشند. یعنی معلم با پرسیدن سؤال به فراگیر کمک کند تا بتواند :

«تمرکز کند و روشن شود و بدین ترتیب دارای افکار و ادراکاتی می شود که در هر حالت دیگر نمی توانست داشته باشد.»<sup>۲۶</sup>

### عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی<sup>۲۷</sup>

- ۱- هدف : اگر بخواهیم بازده و نتایج هدفهای تربیتی به طور دلخواه و رضایت بخش حاصل شوند، هدفها باید کاملاً گویا و روشن باشند.
- ۲- آمادگی : برای اینکه فراگیر در تجربه های آموزشی و تحصیلی خود شرکت فعال و موفقیت آمیز داشته باشد باید از آمادگیهای بدنی و روانی و ذهنی کافی برخوردار باشند.
- ۳- انگیزش : انگیزش یا علاقه به یادگیری در حقیقت ترکیبی از چه چیز آموختن با چرا آموختن است. بدین معنی که چه چیز بیاموزیم تا آموختن آن برای ما سودمند و مطلوب باشد. روانشناسان بسیاری معتقدند که انگیزش مهمترین عامل مؤثر در کارایی و یادگیری است.
- ۴- فعالیت : برای اینکه حداکثر یادگیری حاصل شود، یادگیرنده را نمی توان موجودی انفعالی یا فعل پذیر دانست. فعالیتهایی مانند چابکی و هوشیاری ذهنی از شرایط لازم در یادگیری است. به سخن دیگر دستگاه درون ده حسی<sup>۸</sup> موجود زنده باید هوشیار و چابک باشد و فرایند واکنش کننده نیز نیرومند باشد.
- ۵- تمرکز : تمرکز را باید متمایز از توجه صرف دانست. در واقع تمرکز توجه به هدف است که به گونه ای مؤثر به سود یادگیری گرایش می یابد.

---

<sup>۱</sup>- همان منبع ، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

<sup>۳</sup>- محمد پارسا، روان شناسی تربیتی ، چاپ رودکی ، زمستان ۱۳۷۱ ، ص ۲۷۳.

<sup>۴</sup>- Sensory – input system

- ۶- **سازماندهی** : در سازماندهی یک رشته اجزاء و بخشهای مختلف معلومات به یکدیگر پیوند می یابند و به عنوان یک کل با معنا ادراک می شوند. سازماندهی فرایندی است که مواد خام یادگیری را به یک وسیله سازنده تبدیل می کند که نیل به هدفهای تربیتی را آسان می سازد.
- ۷- **پاسخ** : پاسخ را می توان یک عمل یا یک تغییر درونی دانست که موجود زنده را برای فعالیت آماده می سازد.
- ۸- **فهم** : فهم ادراک معناهاست، استنتاجها و پیامدها و کاربردهایی است که تجربه معینی را برای یادگیرنده قابل درک می سازد.
- ۹- **تمرین یا تکرار**: تکرار اگر درست بکار گرفته شود گرایش و توانایی یادگیرنده را برای به خاطر سپردن یا کاستن از تأثیر نامطلوب فراموشی افزایش می دهد. تکرار، دوباره کاری یا دوباره سازی محض نیست. فعالیت برای یادگیرنده باید با هدف و دارای ارزش واقعی باشد. پرآموزی از نظر انگیزش ذاتی بسیار مطلوب است.
- ۱۰- **واکنش نسبت به ناکامی** : وقتی شخص به مانعی برخورد می کند، یا برای رسیدن به هدفی ناکام می شود باید به تعبیر و تفسیر و سازماندهی مجدد رفتارش پردازد. این عمل به لحاظ گزینش مسیر جدید و برای وصول به هدف یا گزینش هدفی که جانشین آن شود ضرورت دارد.<sup>۲۹</sup>

### الگوی تدریس

امروزه دفتر بین المللی تعلیم و تربیت وابسته به یونسکو تعداد بیش از ۳۰۰ روش تدریس شناخته شده را ذکر می نماید که در ایران نیز توسط بعضی از مدرسان در مورد شیوه ها تدریس مطالبی نوشته شده است. لیکن یکی از متخصصان مدیریت آموزشی این الگوها را چهار خانواده تحت عنوان زیر :

۱- خانواده اجتماعی

۲- خانواده اطلاعات پردازی

---

<sup>۱</sup>- همان منابع، ص ۲۷۴.

<sup>۲</sup>- محمدرضا بهرنگی، مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، چاپ گلچین، زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۱.

۳- خانواده فردی

۴- خانواده سیستم رفتاری ،

تقسیم می نماید که در ذیل به شرح مختصر هر یک می پردازیم.

### ۱- خانواده اجتماعی<sup>۳۱</sup>

این الگوها از آن جهت ماهیت ما را به عنوان موجودات اجتماعی مورد توجه قرار می دهند که بتوانیم برای ایجاد روابط ثمربخش تر با یکدیگر یادگیریمان را توسعه و توانایی هایمان را گسترش دهیم. دامنه این الگوها از جریانی ساده برای سازماندهی همکاری شاگردان با یکدیگر تا الگوهای جافتاده ای که سازمان اجتماعی مردم سالار و تحلیل مسائل عمده و موضوعها و ارزشهای اساسی اجتماعی را آموزش دهند گسترده است.

ساده ترین اشکال یادگیری از طریق همکاری ، سازمان دادن به شاگردان به نحوی است که به یکدیگر کمک کنند تا بتوانند به تکالیف شناختی و اجتماعی ارائه شده به خود با استفاده از الگوهای تدریس از نوع پردازش اطلاعات پاسخ دهند.

همکوشی چیزی است که در جریان همکاری شاگردان با یکدیگر در یادسازی ، دریافت و تشکیل مفاهیم و یادگیری چگونه سازی و چگونه آزمایی فرضیه ها حاصل می شود. سازمانهای یادگیری از طریق همکاری که امروز برای تحقیقات و کوشش های روبرت اسلاوین<sup>۳۲</sup> دیوید و روجر جانسون<sup>۳۳</sup> و همکارانشان کاملاً مورد استفاده قرار می گیرد بطور مثبت بر یادگیری تحصیلی ، رشد اجتماعی و خودیابی شاگرد اثر می گذارد. این الگو دارای مقوله هایی به شرح ذیل می باشد.

الف ( یاران در یادگیری<sup>۳۴</sup> ) از تفحص دو نفری تا گروهی<sup>۳۵</sup>

---

<sup>۳۱</sup> The Social Family

<sup>۳۲</sup> Robert Slavin

<sup>۳۳</sup> David and Roger Johnson

<sup>۳۴</sup> Parents in learning

<sup>۳۵</sup> From Dyads to Group Investigation



اساساً مردم سالاری راهی برای حل مسائل بوسیله یادگیری و عمل جمعی است. جان دیویی پیشنهاد می کند تفحص گروهی در یک جامعه مردم سالار باید الگوی اساسی یادگیری تحصیلی و اجتماعی باشند. هربرت ثلن<sup>۳۶</sup> گسترش این نظریه و عمل به آن می پردازد. تحقیقات و تمرینات اخیر شلموشاران<sup>۳۷</sup> و همکارانش این الگوی گسترده، پیچیده و بسیار خوب را تأیید و تبیین می کند.<sup>۳۸</sup>

ب) ایفای نقش<sup>۳۹</sup> (بررسی ارزشها و رفتار اجتماعی)<sup>۴۰</sup>

فانی<sup>۴۱</sup> و جرج شافتل<sup>۴۲</sup> اظهارحان جریان یادگیری هستند که به فهم شاگردان و بهبود ارزشهای اجتماعی آنان کمک می کنند. ایفای نقش در شرایط دارای مسئله برای افتتاح باب گفتگو درباره ارزشها و چگونگی اثر آنها در زندگی روزانه بکار می رود. این الگو اجازه می دهد ارزشها بعنوان هسته رشد خویشتن (جایی که در آن هنجارهای اجتماعی و ماهیت فردی و دریافت معنا بهم پیوند) بررسی شود.

ج) کاوشگری به روش محاکم قضایی<sup>۴۳</sup> (یادگیری تفکر در باب خط مشی اجتماعی)<sup>۴۴</sup>

---

<sup>۳۶</sup> Herbert Thelen

<sup>۳۷</sup> Shlomo sharan

<sup>۳۸</sup> - بروس جویس، مارشادویل و بورلی شاورز، الگوهای تدریس، مترجم محمدرضا بهرنگی، چاپ و نشر علامه طباطبائی، زمستان ۷۳، ص ۵ و ۶.

<sup>۳۹</sup> Role playing

<sup>۴۰</sup> Studying Social Behavior of Values

<sup>۴۱</sup> Fannie

<sup>۴۲</sup> George Shaftel

<sup>۴۳</sup> Jurisprudential Inquiry

<sup>۴۴</sup> Learning to think about social policy

تدوین خط مشی اجتماعی یک نیاز اساسی در گروههای کوچک، جوامع، ملل و حتی جوامع بین‌المللی است. الگوی محاکم قضایی بر حول تحلیل موارد دارای مسئله و اتفاق افتاده یا مسایلی که فقط با تبیین ارزشها و رفع تعارضها و درخواستهای مشترک حل می‌شود به تحلیل خط‌مشی می‌پردازد.

این الگو که توسط دونالد اولیور<sup>۴۵</sup> و جیمز شیور<sup>۴۶</sup> تکامل یافته و برای تدوین دروه‌های مطالعات اجتماعی یا روشن ساختن سئوالات خط‌مشی در برنامه تحصیلی سایر زمینه‌ها از علوم گرفته تا ورزش، به کار می‌رود.

(د) تطبیق با تفاوت‌های فردی<sup>۴۷</sup> (نظریه سیستم‌های مفهومی<sup>۴۸</sup>)

ما چگونه د ردرس اجتماعی برای شاگردانی که مراحل رشد را می‌گذرانند به طرح برنامه بپردازیم؟

ما از تفکرات دیوید هانت<sup>۴۹</sup> که این تفکرات را با همکاری او . جی . هاروی و هارولد شرودر<sup>۵۰</sup> برای انتخاب و تغییر در تکالیف اجتماعی بسط داده است استفاده می‌کنیم تا بتوانیم موجباتی فراهم سازیم تا فراگیران بازدهی و رشد خود را به حداکثر برسانند. از آنج که نظریه سیستم‌های مفهومی، رشد عقلی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد، می‌توانیم از آن برای متناسب ساختن مراحل رشد فراگیران با تکالیف اجتماعی و شناختی در خانواده الگوهای اطلاعات‌پردازی و خانواده الگوهای اجتماعی استفاده کنیم.<sup>۵۱</sup>

---

<sup>۴۵</sup> Donald Oliver

<sup>۴۶</sup> James Shaver

<sup>۴۷</sup> Adapting to Individual Differences

<sup>۴۸</sup> Conceptual Systems Theory

<sup>۴۹</sup> David Hunt

<sup>۵۰</sup> O.J.Harvey. Harold Schroder

<sup>۷</sup> - همان منبع، ص ۶ و ۷.

## ۲- خانواده اطلاعات پردازشی<sup>۵۲</sup>

آموختن مهارت های یادگیری به فراگیران از طریق تفکر:

در حالیکه تحقیق در باب اینکه فراگیران چگونه تفکر را یاد می گیرند، به هیچ روی کامل نیست و الگوهای متنوعی وجود دارد که بر توانایی فراگیران برای جستجو و تسلط بر اطلاعات، سازمان دادن به آن، فرضیه سازی و آزمون فرضیه ها، و استفاده از آموخته ها در خواندو و نوشتن و کشف خود و دنیای پیرامون خود می افزاید. بعضی از این الگوها شاگردان را در جهت گردآوری اطلاعات و ساختن مفاهیم هدایت می کند. بقیه الگوها به آنان می آموزد تا از آموزش مستقیم خواندن، سخنرانی و سیستم های آموزشی استفاده کنند. بحث های اساسی خانواده فوق را موارد ذیل تشکیل می دهند.

الف) تفکر استقرایی<sup>۵۳</sup> (گردآوری، سازماندهی، و کنترل اطلاعات اولیه<sup>۵۴</sup>)

طبقه بندی یک مهارت اساسی و منظم در سطح بالایی از تفکر بوده و هر یک از مهارت های تحلیلی و ترکیبی مبتنی بر تمایزاتی است که در خلال طبقه بندی بوجود می آید. ما بر اساس آثار هیلدا تابا<sup>۵۵</sup> بسیاری از کسانی که رشد جریانات تفکر را مد نظر خود قرار داده اند، الگوی اساسی طبقه بندی را ارائه می کنیم که با تشکیل مفهوم شروع شده و در جهت بهبود تعمیم ها و استنباط ها و فرضیه ها در باب علیت پیش می روند.

ب) دریافت مفاهیم<sup>۵۶</sup> (مهارت های اساسی تفکر<sup>۵۷</sup>)

---

<sup>۵۲</sup> The Information Processing Family

<sup>۵۳</sup> Thinking Inductively

<sup>۵۴</sup> Collecting, Organizing and Manipulating Data

<sup>۵۵</sup> Hilda Taba

<sup>۵۶</sup> Attaining Concepts

<sup>۵۷</sup> The Basic Skills of Thinking

این الگو مبتنی بر بررسی جریان‌ات طبقه‌بندی، به شاگردان در یادگیری گروه‌ها و بررسی چگونگی یادگیری و کاربرد آنها کمک می‌کند. الگوی مذکور برای معلمان نیز بجای استقراء یک جانشین مفهومی فراهم می‌کند که آنان را برای کنترل منظومه‌های اطلاعات اولیه و کمک به فراگیران برای بهبود دانش دقیق مفاهیم قادر می‌سازد.<sup>۵۸</sup>

#### ج) یادسپاری (دریافت درست حقایق)

تحقیقات جدید در باب یادسپاری، بخصوص در استفاده از «کلمات اتصالی» که تداعی‌ها را تسهیل می‌کند اثرات چشمگیری در باب میزانی بوجود آورده است که فراگیران می‌توانند اطلاعات و مفاهیم را بدست آورند. مربیان، در بعضی از کاربردها به ایجاد یادیارها<sup>۵۹</sup> می‌پردازند. فراگیران در بقیه کاربردها یادیارهایی را از خود بوجود می‌آورند. فراگیران در هر دو حالت به صورت گروه‌های یادگیرنده در می‌آیند که از شناخت درباره چگونه بدست آوردن، ذخیره کردن و بازیابی اطلاعات برخوردارند. تحقیقات جویل لوین<sup>۶۰</sup>، پرسلی<sup>۶۱</sup> و همکارانش بر اهمیت عرضه کنترل شناختی بر راهبردهای یادگیری و یا بعد «فراشناختی»<sup>۶۲</sup> فراگیر بودن تأکید دارند. به سخی دیگر به فراگیران نمی‌آموزند که صرفاً در فعالیت یادگیری دست‌اندرکار باشند بلکه به آنان می‌آموزند چگونه یادگیرند و چگونه از شناخت در باره یادگیری برای افزایش اثربخشی استفاده کنند.

۳- همان منبع، ص ۸ و ۹.

<sup>۵۹</sup> Memorization

<sup>۶۰</sup> Link words

<sup>۶۱</sup> Munemonics

<sup>۶۲</sup> Joel Levin

<sup>۶۳</sup> Perssley

<sup>۶۴</sup> Meta Cognitive

(د) یادگیری از عرضه مطالب (پیش سازمان دهنده ها)<sup>۶۶</sup>

این الگوها مبتنی بر تحقیقات دیوید آزوبل و با افزایش فعالیت شناختی فراگیران به تسهیل یادگیری از سخنرانی ، خواندن و سایر وسایل عرضه مطالب و دروس می پردازد.

(ه) آموزش کاوشگری (۴)ز حقایق تا نظریه ها<sup>۶۷</sup>

این الگو محور برنامه ای است که اولین بار توسط ریچارد ساکمن<sup>۶۸</sup> بوجود آمد تا به فراگیران، دست اندرکار شدن با استدلال علّی را بیاموزد. آموزش در حول و حوش مجموعه ای از مسایل بغرنج بوجود می آید که شاگردان در آن برای حل مسئله با گردآوری و تأیید اطلاعات اولیه، بهبود مفاهیم ، و فرضیه سازی و آزمون فرضیه ها تلاش می کنند.<sup>۷۰</sup>

(و) بدیعه پردازی (۸)افزایش تفکر خلاق<sup>۷۲</sup>

می توان چنین تصور نمود که توانایی فراتر رفتن از دانسته ها و ترکیب نظرات و راه حل های مسایل سرانجام همان مهارت پردازش اطلاعات است. نیز می توان چنین مدّلل نمود که یکی از فرازهای رشد فکری آزاد شدن برای خلق است. ویلیام گوردون<sup>۷۳</sup> روش کاری را به منظور کمک به افراد برای شکستن زمینه های ذهنی

---

<sup>۶۵</sup> Learning from presentation

<sup>۶۶</sup> Advance Organizers

<sup>۶۷</sup> Inquiry Training

<sup>۶۸</sup> From Fact to Theories

<sup>۶۹</sup> Richard Suchman

<sup>۷۰</sup> همان منبع ، ص ۹ و ۱۰.

<sup>۷۱</sup> Synectics

<sup>۷۲</sup> Enhancing Creative Thought

<sup>۷۳</sup> William Goudon

خود و ایجاد راههای جدید برای حل مسایل، ایجاد نوشته ها و سخنان درخشان، و بهم آمیختن گروهها در حول مسئله گشایی خلاق بوجود آورده است. بیش از آن که خلاقیت به عنوان جریانی درونی و کنار افتاده تلقی شود خلاقیت در گروهها رشد یافته و بریکپارچگی و همدلی اعضای گروه می افزاید.

(ز) عقل رشد یابنده (ووفق دادن الگوها با رشد شناختی)<sup>۷۴</sup>

ژان پیاژه<sup>۷۵</sup> همکارانش الگویی از رشد شناختی بوجود آورده اند که ما از آن می توانیم برای سازمان دادن به الگوهای پردازش اطلاعات به منظور تسهیل نشو و نماي شناختی استفاده کنیم. ما این الگوها را برای کمک به فراگیران در افزایش سطوح فعالیت ادراکی آنان انتخاب و تطبیق می دهیم.<sup>۷۶</sup>

### ۳- خانواده فردی<sup>۷۸</sup> (قراردادن فرد در کانون توجه)<sup>۷۹</sup>

الگوهای فردمداری، هویت فردی یا خودداری درک و تفکر منسجم را کانون توجه قرار می دهد. این الگوها محیط را در حول توان آموزش خود و نیاز به بهبود خود آگاهی و فهم شکل می دهد که دارای الگوهایی به شرح زیر می باشد. الف) تدریسی که امر و فرمان در آن نباشد (غیردستوری)<sup>۸۰</sup>

---

<sup>۷۴</sup> The Developing Intellect

<sup>۷۵</sup> Adjusting Models to Cognitive Development

<sup>۷۶</sup> Jean Piaget

<sup>۸۰</sup> همان منبع، ص ۱۰ و ۱۱.

<sup>۷۸</sup> The Personal Family

<sup>۷۹</sup> Focus on the Person

<sup>۸۰</sup> Nondirective Teaching

(فراگیر در کانون)<sup>۸۲</sup>

کارل راجرز روانشناس و سخنگوی گروه موافق با تدریس در حول دنیای ادراکی فراگیران است. معلم در الگوهای تدریس بی‌امر و فرمان به عنوان مشاور عمل می‌کند که به فراگیران در درک خود، بیان اهداف و قبول مسئولیت برای نشو و نما و جهت‌دهی به فعالیت‌هایشان کمک می‌کند. این الگو که برای رشد خود تدین یافته است، برای ما به عنوان معلمان، بسیار مهم است و به ما در رخنه به فضای روانشناختی شاگردان و منظور داشتن آنان در مشارکت یاددهی و یادگیری کمک می‌کند.

(ب) مفاهیم خود(الگوسازی حالات خوب نشو و نما)<sup>۸۳</sup>

روابط متقابل فرد فرهیخته با دنیای خود یا خدمت به آن متنعم شدن از آن سرانجام شاهی است بر این مطلب که آموزش و پرورش مؤثر بوده است. ما چارچوبی برای بررسی خود در حال نشو و نما به اجرا می‌گذاریم و برای فراگیران روشی برای راه زندگی در تحقق خویشتن الگوسازی می‌نماییم<sup>۸۴</sup>

#### ۴- خانواده سیستم‌های رفتاری (نظریه رفتار)<sup>۸۵</sup>

رویکرد بسیاری به یادگیری بر اساس آثار بی. اف. اسکینر<sup>۸۶</sup> بوجود آمده که هر یک از مزیت این توان انسانی برای وفق رفتار با امور و بازخورد از آن برخوردار است. دامنه استفاده از این الگوها وسیع است.

---

<sup>۸۲</sup> The Learner at the Center

<sup>۸۳</sup> Concepts of Self

<sup>۸۴</sup> Modeling Rich States of Growth

<sup>۸۵</sup> - همان منبع، ص ۱۱ و ۱۲.

<sup>۸۶</sup> The Behavioral Systems Family

<sup>۸۷</sup> Behavior Theory

<sup>۸۸</sup> B.F. Skinner

در این دامنه از تدریس اطلاعات، مفاهیم و مهارت‌ها، افزایش راحتی و آسودگی و کاهش ترسهای مرضی، تغییر عادت‌ها، یادگیری کنترل رفتار خود فرد وجود دارد. تعداد الگوهای منتخب فقط چند الگو از الگوهای است که واجد توانایی بالقوه برای استفاده در منظومه‌های آموزشی می‌باشد. که در اینجا به توضیح مختصر هر یک می‌پردازیم.

#### الف ( یادگیری تسلط یاب ، آموزش مستقیم و نظریه‌های یادگیری اجتماعی<sup>۸۸</sup>

یکی از کاربردهای مهم نظریه‌های سیستم‌های رفتاری تحول بخشیدن به سیستم‌هایی است که به وظایف یادگیری این حالت را می‌بخشد که بتواند بر حسب پیشرفت فراگیران منظم شده و به شاگردان بیاموزد تا خود را با اقدام بهینه همگام سازند. این سیستم‌ها اغلب با سازمان دادن به مطالب درسی به صورت واحدهای آموزشی نسبتاً کوچک و متوالی و با قرار دادن سنجش‌های یادگیری در آنها به فراگیران ارائه می‌شوند. این «یادگیری تسلط یاب» یا سیستم‌های «آموزش مستقیم» در زمینه‌های بسیار متنوعی از رشد تحصیلی، جسمانی و عقلانی بطور موفقیت آمیز بکار گرفته شده است.

#### ب) خودگردانی در یادگیری<sup>۸۹</sup> (استفاده از بازخورد برای تغییر رفتار)

کارل تورسن و همکاران در تدریس نحوه تغییر طرح‌های رفتاری به فراگیران با استفاده از اصول سیستم‌های رفتاری، روشهایی را بوجود آورده‌اند که بتوانند ضمن تدریس نحوه ایجاد و تغییر طرح‌های رفتاری، نحوه در اختیار گرفتن کنترل بر خویشان را به فراگیران بیاموزند.

#### ج) تربیت و خودتربیتی: یادگیری از شبیه‌سازها<sup>۹۰</sup> (از مهارت‌های اساسی تا اکتشافات فضایی)<sup>۹۱</sup>

<sup>۸۸</sup> Mastery Learning Direct Instruction, and Social Learning Theory

<sup>۸۹</sup> Learning Self-Control

<sup>۹۰</sup> Carl Thoresen

<sup>۹۱</sup> Training and Self- training: Learning from Simulations

<sup>۹۲</sup> From the Basic Skills to the Expbration of Space



محققان روشهایی در مجتمع های صنعتی، نظامی و ورزشی، و آموزشی و پرورشی برای رشد مهارتها و افزایش اثربخشی استفاده از این مهارتها در کار و آموزش و پرورش بوجود آورده اند.

(د) شرایط یادگیری<sup>۹۳</sup> (دقیق ساختن آموزش)<sup>۹۴</sup>

روبرت گاینه<sup>۹۵</sup> همکاری به ایجاد نوعی طبقه بندی برای اهداف یادگیری پرداخته اند که در سازمان دادن به هدفهای معین و جای نهادن آنها در توالی مناسب کمک می کند.<sup>۹۶</sup>

### نتیجه گیری

معلمی در کار تدریس موفق تر است که از بین روشهای پرشمار تدریس روش مناسب را در کلاس بکار برده و به بهبود تدریس و یادگیری هر چه بیشتر و بادوام تر دانش آموز کمک کند. با توجه به ماهیت وجودی انسان و با بازنگری نظریه X<sup>۹۷</sup> مک گریگور بیاد می آوریم که انسان از دید مدیران و رؤسا دارای ویژگیهای کاری متفاوتی به شرح ذیل می باشد:

مدیر تابع نظریه X معتقد است که: انسان موجودی است بیزار از کار و فاقد خلاقیت و به اینکه تحت کنترل و سرپرستی و اجبار قرار گیرد تمایل دارد. و نظریه Y بیان می دارد که: انسان موجودی است خلاق و هوشمند و کارجو و فعالیت طلب و نسبت به کار خود متعهد و مسئول. تصورات فوق مؤید این نکته است که برخی از معلمین راحت طلب بوده و بدنبال آسانترین روشهای کاری بطور اعم از ساده ترین روشهای تدریس بطور اخص می باشد. حال آنکه ممکن است روش اتخاذ شده بهترین روش ممکن نباشد.

---

<sup>۹۳</sup> The Conditions of Learning

<sup>۹۴</sup> Jocusing Instruction

<sup>۹۵</sup> Robert Gagne

<sup>۹۸</sup> - همان منبع، ص ۱۴

## منابع

- ۱- مکارم شیرازی، ناصر - تفسیر نمونه، جلد ۱، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، مهر ماه - ۱۳۶۱ ص ۱۲۱.
- ۲- بهرنگی، محمدرضا - مدیریت آموزشی آموزشگاهی، چاپ گلچین، زمستان ۷۱، ص ۲۱.
- ۳- مجله رشد آموزش شیمی، سال دهم، پاییز ۱۳۷۲، شماره مسلسل ۳۷، ص ۴.
- ۴- بیان، حسام‌الدین - شکایا مقدم محمد - مدیریت شیوه‌های نوین در آموزش، مرکز آموزش مدیریت دولتی ص ۴۴.
- ۵- بروس جویس و مارشاول، الگوهای تدریس، مترجم محمدرضا بهرنگی، جلد اول ص ۵.
- ۶- فیلیپ کوفر، بحران جهانی تعلیم و تربیت در دهه ۱۹۸۰، ترجمه فریده آل آقا، چاپ موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹ ص ۱۳۹.
- ۷- کیمیل وایلز، درس معلم دانا، ترجمه م - محمودی، انتشارات یزدانی، ۱۳۴۴، ص ۵.
- ۸- سرمد، زهره - مدلهای تحقیق در باره کارآیی معلم و تدریس، تهران، نشریه دانشکده علوم تربیتی، شماره ۱۲، سال ۱۳۵۴، ص ۱۲۳ و ۱۲۹.
- ۹- پارسا، محمد - روانشناسی تربیتی، چاپ رودکی، زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۷۳.